

مدارس و دانشگاه ها در تمدن اسلامی

کثرت مدارس عالی (درباب مدارس در نزد مسلمین و نقش مدرسه ی نظامیه رجوع شوده به : talas.a.la madrasa
1939 nizamya et son histoire) در بلاد اسلام ، هنوز هم که دنیا پیشرفتهای ماشینی یافته است...



کثرت مدارس عالی (درباب مدارس در نزد مسلمین و نقش مدرسه ی نظامیه رجوع شوده به : talas.a.la madrasa nizamya et son histoire 1939) در بلاد اسلام ، هنوز هم که دنیا پیشرفتهای ماشینی یافته است و حاکمی از وجود شوق و نشاطی بی مانند . در حقیقت بسبب تأکید و تشویقی که در اسلام راجع به علم شده بود و همچنین بجهت توصیه و ترغیبی که به انجام دادن امور خیریه می شد بسیاری از اهل برو ارباب ثروت ، عنایت و توجه خاصی به تاسیس مدارس میزول کردند بطوریکه در عهد رونق حکومت های اسلامی در بیشتر بلاد اسلام مدارس مهم مانند نظامیه ، مستنصریه ، حلاویه ، جوزیه ، الازهر و امثال آنها وجود داشت که هر یک بسببی شهرت دارند

و این مدارس که بزرگان علماء اسلام تربیت یافته آن مدارس بوده اند همه یا غالب آنها از محل اوقاف اهل بر بوده است و خلفا و سلاطین بطور مستمر و مستقیم در آنها نظارت نداشتند و به اصطلاح امروز ما این مدارس ملی و آزاد بود چنانکه جز در بعضی از آنها که به بعضی فرقه ها اختصاص داشت در غالب آنها نیز تعلیم آزاد بود و هر یک از فرقه های اسلامی ، معارف و علوم مقبول مخصوص خود را می توانستند درین مدارس اخذ و تلقی نمایند .

البته مدرسه نظامیه ، بر خلاف مشهور ، اولین مدرسه اسلامی نبوده است . (برای مدارس قبل از آن رجوع شود به : متز ، الحضاره الاسلامیه 19/1-318) اما بی شک از خیلی جهات سرمشق مدارس مهم اسلام و جهان شده است . خواجه نظام الملک وزیر ، نزدیک به شصت هزار دینار صرف بنای مدرسه ی نظامیه بغداد کرد ، در اصفهان و نیشابور و بلخ و هرات هم نظامیه ها ساخت و این مدارس حتی سرمشق شد برای دارالعلم های اروپا . قدیمی ترین دانشگاه اروپا که سالرنو (Salern) در ایتالیا بود از تأثیر مدارس اسلامی خالی نبود . مدارس بزرگ دیگر مثل دانشگاه بولونیا (Bologna) و دانشگاه های پاریس ، مونپلیه ، و اکسفورد همگی بعد از قرن دوازدهم میلادی بوجود آمدند مدتها بعد از تأسیس دانشگاه های اسلامی . اگر بعضی رسوم و الفاظ جاری در دانشگاه های اروپا مثل Reading (= قرائت) ، (Hearing) (= سماع) ، (Licence) (= اجازه) ، و حتی لفظ غریب (Baccalarius) (= حق الروایه ؟) چنانکه بعضی محققان گفته اند از رسوم و الفاظ مشابه معمول در مدارس اسلامی مصر و شام و اندلس اقتباس شده باشد آیا حیرت انگیز نیست که با چنین سابقه یی که دانشگاه های اسلامی دارد ، تأسیس دانشگاه های امروز شرق به نفوذ یا تقلید دارالعلم های غربی منسوب شود ؟

این نظامیه ها مراکز مهم فعالیت های علمی عصر بود ، اساتید آنها هم غالباً علماء بزرگ عصر بشمار می آمدند . از همه دوره های اسلامی تا مدتها طالب علمان به این مدارس روی می آوردند و درین کهنه ترین دانشگاه های جهان ، هم حجره پیدا می کردند هم مدد معاش . بعلاوه کتابخانه ، بیمارستان ، مسجد ، و مجلس وعظ هم در دسترس آنها بود . چنانکه مدرسان هم در مدرسه در جات داشتند از استاد و مدرس و معید ، با لباس های خاص و ظاهراً همینه است که در دانشگاه های اروپا مورد تقلید واقع شد . چندی بعد ، در سایر بلاد اسلام هم مثل بغداد بتقلید نظامیه مدارس متعدد بنا شد . در بغداد ، مدرسه مستنصریه بوجود آمد که رونق و فعالیت آن نظامیه را از اهمیت انداخت . چنانکه سلاطین زنگی و ممالیک در شام و مصر مخصوصاً شوق وافر به بنای مدارس نشان دادند . در عهد مغول ، سلطان محمد خدا بنده حتی مدرسه سیار داشت همراه اردوی خویش که ذکر آن در #171 تاریخ و صاف & raquo; آمده است . در قرن ششم که ابن جبیر سیاح اندلسی به مشرق آمد بیست مدرسه در دمشق یافت و سی مدرسه در بغداد . بنیامین تطیلی سیاح و ربن یهودی اندلسی بیست مدرسه در اسکندریه دید ، و در سایر بلاد هم مدارس بسیار بود با شور و نشاط طالبان علم . این شور و نشاط به شهرهای بزرگ اختصاص نداشت و در دهات و قریه ها هم طالبان علم فراوان بودند و چه بسیار دانشمندان بزرگ اسلام که از دیه های حقیر برخاسته اند .

منبع: برگرفته از کتاب کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب